

رویکرد و روش پژوهشی سازنده گرایی

پروانه ولوی^۱، مسعود صفایی مقدم^۲

بیان مساله

دیدگاه سازنده گرایی رویکردی است که در حوزه های مختلف توسعه یافته و بطور نظری و عملی سیطره خود را بر نظام تعلیم و تربیت جهان گسترده است. بر اساس این دیدگاه ذهن می تواند ایده هایی را که در آن موجود است در کنار هم قرار داده و ایده های پیچیده جدیدی را ایجاد کند. همه ی انواع سازنده گرایی بر نقش فعال ذهن بر تجربیات تاکید می کنند و معتقدند که ذهن آینه ای منفعل در برابر جهان نیست بلکه عامل فعالی در شکل دادن به ادراکات، مفاهیم، احساسات و ... است. آنها معتقدند که فرد دانش و معرفت خود را از طریق تجارب و تفکر کردن در باره آنها، می سازد. به عبارت دیگر دانش به وسیله یادگیرندگان به صورت فعال ساخته می شود. در سازنده گرایی معرفت ماهیتی فرضیه ای، معنادهی و ابزاری دارد و متعلق معرفت هم جنبه عینی و هم جنبه ذهنی دارد. حدود معرفت در این دیدگاه می تواند وابسته به موقعیتی باشد که فرد در آن قرار دارد. منبع و سرچشمه معرفت متناسب با رویکردهای روانشناختی و اجتماعی، متفاوت است. سازنده گرایان معتقدند که معرفت موقعیتی است، یعنی دانش و معرفت وابسته به موقعیتها و مقاصدی است که در اصل برای آنها ساخته می شوند. به نظر آنها معرفت از قبل به ذهن فرد وارد نشده بلکه حاصل تعامل فرد با محیط و تغییر موقعیت-ها است.

سؤالات پژوهش

- 1- عناصر تشکیل دهنده ی دانش در سازنده گرایی کدامند؟
- 2- دلالتهای روش گرایانه سازنده گرایی در یادگیری چیست؟

¹-استادیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز

parvanehvalavi@yahoo.com - p.valavi@scu.ac.ir

Safaei_m@scu.ac.ir

²-دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز



3- دلالت‌های روش‌گرایانه سازنده‌گرایی برای تدریس و معلم کدامند؟

4- منظور از روش تعادل در سازنده‌گرایی چیست؟

چارچوب نظری

پیاژه در نظریه‌ی رشد شناختی چهار مرحله (حسی- حرکتی، پیش عملیاتی، عملیات عینی و تفکر انتزاعی- منطقی) را مشخص کرد که هر کدام از یک طرف نشانگر توانایی‌های ذهنی یادگیرندگان و از طرف دیگر ناتوانی‌هایی آنها هستند. مراحل سوم و چهارم مطرح شده توسط پیاژه نیز با سن استفاده افراد از آموزش و پرورش رسمی همخوانی دارد، لذا جنبه ساختاری نظریه در برنامه درسی و جریان آموزش کاربرد دارد.

پیاژه معتقد است که روش تدریس باید با سطوح تحول مفهومی در یادگیرندگان همخوانی داشته باشد. یادگیرنده از طریق تعامل ذهنی و جسمانی فعال با محیط، دانش و معرفت خود را می‌سازد، در نتیجه مدرسه یکی از مهمترین عوامل در تحول شناختی یادگیرندگان محسوب می‌شود. پیاژه معتقد است، که تجربه برای تحول ضروری است اما تجربه به تنهایی برای ایجاد ساختار ذهنی کودک کافی نیست. کودک باید فعال باشد، باید به تغییر محیط بپردازد و از اعمال خود بر روی اشیاء، به ساختار ذهنی مربوط، دست یابد (پیاژه، 1963).

نظریه تحول شناختی ویگوتسکی بر تأثیر متقابل بین یادگیرنده و محیط اجتماعی او تأکید می‌کند. نظریه‌ی ویگوتسکی دارای کاربردهایی در حوزه تعلیم تربیت هستند (ویگوتسکی، 1976):

اول اینکه، فرهنگ، اجتماع و تاریخ با تعلیم و تربیت در ارتباط است. این بدان معناست که نظام‌های آموزشی همواره تحت تأثیر بافت فرهنگی، اجتماعی و تاریخی موجود قرار دارد و از آن متأثر می‌شود.

دوم اینکه، چون زبان به عنوان یکی از ارکان مهم برای رشد کارکردهای عالی ذهن به حساب می‌آید، در نتیجه باید در مدارس و مراکز آموزشی باید به زبان و مسائل زبانی اهمیت داده شود و آن را امری محوری و اساسی تلقی نمایند.

سوم اینکه، قلمرو رشد قریب در ارتباط مستقیم با تعلیم و تربیت می‌باشد. بر اساس این مفهوم



رشد شناختی یادگیرندگان در جریان تعامل آنان با همسالان پیشرفته‌تر و بزرگسالان تقویت می‌شود.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی است به این معنی که در قسمتی از پژوهش از روش تبیین و توصیف استفاده شده است و در کل مقاله و در مثال‌های تربیتی از روش تحلیل مفهوم استفاده به عمل آمده است.

یافته‌های پژوهش

در ادامه به سوالات تحقیق پاسخ داده می‌شود. یکی از سوالات تحقیق عبارت بود از این که عناصر شکل‌گیری دانش در سازنده‌گرایی کدامند؟ در پاسخ باید گفت که سازنده‌گرایان فرد و عوامل محیطی و تعامل بین آنها را بر شکل‌گیری دانش مؤثر می‌دانند و معتقدند که یادگیری باید در زمینه خاص یا موقعیت‌های خاص انجام گیرد. هر عمل در زمینه خود تجربه‌ای است که تفسیر خاص خود را براساس تجارب قبلی فرد می‌سازد و این تفاسیر یا معانی دائماً درک فرد را متحول می‌کند. کودک کار فردی خود را با کار گروهی ترکیب می‌کند و با مبادله نقطه نظرات خود با دیگران است که واقعیت خود را می‌سازد. به عبارت دیگر از طریق تماس اجتماعی است که خود میان بینی به همه عملی مبدل می‌گردد و در همین جا است که گروه از مجموعه‌ای متمایز به یک سازمان یافتگی منضبط و قاعده دار چه در قالب عقلی و چه در شکل عاطفی در می‌آید..

دلالت‌های روش گرایانه سازنده‌گرایی در یادگیری چیست؟ به نظر سازنده‌گرایان یادگیری ساخته می‌شود و یادگیرنده به عنوان عامل مهمی در فرآیند یادگیری محسوب می‌شود. وقتی یادگیرندگان در مواجهه با موقعیت‌های جدید قرار می‌گیرند از فهم و ادراک خود استفاده می‌کنند و به فهم نائل می‌شوند. اگر موقعیت جدید با ادراک آنها سازگاری نداشته باشد عناصر مناسب آن را ثبت نموده و سعی در تطبیق خود با آن دارند که در هر صورت یادگیرندگان فعال باقی می‌مانند.

دلالت‌های روش گرایانه سازنده‌گرایی برای تدریس و معلم کدامند؟



سازنده‌گرایی دلالت‌های روش‌گرایانه زیر برای تدریس و معلم پیشنهاد می‌شود:

نخست اینکه در این نظریه تدریس به معنی انتقال اطلاعات از معلم به یادگیرنده نیست، و معلم نقش حکیم دانا را بازی نمی‌کنند، بلکه معلم راهنمایی است که فرصت‌هایی را برای یادگیرندگان فراهم می‌کنند تا دانش خویش را بسازند و شایستگی فهم و دانش خویش را بیازمایند.

دوم، چون در این نظریه یادگیری مبتنی بر دانش قبلی می‌باشد، در نتیجه یکی از وظایف معلمان این است که ناهماهنگی‌های بین تجربیات و دانش جدید یادگیرندگان و تجربیات و دانش قبلی آنها را مشخص کنند.

سوم، اگر یادگیرندگان باید فهم و دانش جاریشان را در موقعیت‌های جدید بکار ببرند در نتیجه معلمان باید یادگیرندگان را در امر یادگیری دخالت دهند.

چهارم، معلمان تعامل گروهی یادگیرندگان را تشویق می‌کنند و معتقدند که تعامل گروهی و رابطه متقابل بین یادگیرندگان می‌تواند باعث مقایسه دانش و فهم یادگیرندگان با یکدیگر و بهبود یادگیری آنها شود. در ضمن در سازنده‌گرایی برنامه ریزی با مشارکت و گفتگو صورت می‌گیرد و معلم و یادگیرنده در خصوص محتوا، فعالیت‌ها و روش‌ها تصمیم می‌گیرند.

پنجم، معلم فرصت‌هایی برای یادگیرندگان فراهم می‌کند تا بتوانند دانش خود را در عمل و در چارچوبی خاص توسعه دهند. در واقع معلم تسهیل‌کننده فرایند یادگیری سازنده‌گراست. یادگیرندگان در چنین محیطی فعال هستند نه منفعل. آنها تشویق می‌شوند تا حل‌کننده مسأله، و متفکر مستقل باشند.

منظور از روش تعادل در سازنده‌گرایی چیست؟ بحث از تعادل و عدم تعادل بر جنبه فرایندی سازنده‌گرایی مبتنی است. مرییان باید یادگیرندگان را با مسائل و موقعیت‌های مسئله‌مدار روبرو نمایند که این امر باعث از بین رفتن تعادل بین یادگیرندگان و محیط می‌گردد و همچنین یادگیرندگان را وادار به تلاش برای رسیدن به تعادل می‌نماید. بر این اساس برنامه درسی و جریان آموزشی باید به روشن‌ترین وجه در خدمت رشد قابلیت‌های شناختی قرار گیرد و زمینه تغییر و انطباق را از طریق پیش‌بینی فعالیت‌ها و تجارب یادگیری فراهم نمایند.

نتیجه‌گیری



نتیجه‌ای که از بررسی دیدگاه سازنده‌گرایی بدست آمد مؤید این معناست که مفهوم سازنده‌گرایی، پیش از هر چیز معرف دیدگاهی است که تمایل به ساخت ذهنی و اجتماعی معرفت دارد. آنچه از همین تمایل حاصل می‌شود این است که معرفت به اشخاص اجتماع وابسته است و همین وابستگی نیز دال بر این است که معرفت امری نسبی و شخصی است.

همچنین در این روش معلم باید تعامل گروهی را تشویق نموده و به یادگیرندگان کمک کند تا با مقایسه آگاهی و تجربیات خود با دیگر همسالانشان به درک روشنی از وضعیت ادراکی خود دست یابند. همچنین در درون فرایند گروهی آگاهیها و تجربه‌های خود را بدست آورده آن را بازسازی کنند و دیدگاههای دیگر را بپذیرند (جونز، 1997 و هاور، 1996).

واژگان کلیدی: روش‌شناسی، سازنده‌گرایی، یاددهی و یادگیری

منابع

- 1- پیازه، ژان (بی تا). تربیت به کجا ره می سپرد. مترجمان: منصور و دادستان (1375). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- 2- فردانش، هاشم (1377). طراحی آموزشی از منظر رویکردهای رفتارگرایی، شناخت‌گرایی و ساخت‌گرایی. فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی، سال هفتم و هشتم شماره 24، 25.
- 3- ویگوتسکی، لئو (1976). ذهن و اجتماع. ترجمه رویا منجم (1369). تهران: موسسه مطبوعات علمی.
- 4- Brooks, J. G. and M. G. Brooks (1999). In Search of Understanding: The Case for Constructivist Classrooms. Hoover, W. A (1996). The practice Implications of onstructivism, Url: <http://www.Sedl.org/pubs/Sedletter/vol9,no3/practice.html>.
- 5- Hoover, W. A (1996). The practice Implications of onstructivism, Url: <http://www.Sedl.org/pubs/Sedletter/vol9,no3/practice.html>.
- 6- Jones, D. (1997). Focus on the Student: Designing Library Instruction for Critical Thinkers, URL: <http://www.Carillo.Cc.ca.us/thinking/constructivism.Html>.